

اشتراکات هویتی انقلاب اسلامی ایران و آمریکای لاتین با تأکید بر کشورهای عضو آلبا

نویسنده: غلامعلی زوارزاده^۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۷/۵

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۲۱

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هجدهم، شماره ۶۷، تابستان ۱۳۹۴

چکیده

وقوع انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۷، نوعی هویت «انقلابی-اسلامی» برای جمهوری اسلامی ایران در صحنه نظام بین‌الملل ایجاد کرده است که این هویت‌ها نوع اشتراکات انقلاب اسلامی و کشورهای آلبا و افکار عمومی منطقه آمریکای لاتین را فراهم کرده است. بر همین اساس سؤال اصلی این است که اشتراکات هویتی انقلاب اسلامی و کشورهای عضو آلبا کدامند؟ روش این پژوهش به لحاظ ماهیت کاربردی و به لحاظ روش‌شناسی ترکیبی (کمی-کیفی) با جامعه‌آماري متشکل از رؤسای جمهور، وزیران خارجه و سفیران کشورهای عضو آلبا که در اجلاس سران کشورهای غیر متعهدا در تهران شرکت کرده بودند، با حجم نمونه ۲۳ نفر است.

بر اساس یافته‌ها عناصر هویتی انقلابی جمهوری اسلامی ایران در مؤلفه‌های استقلال‌طلبی با میانگین ۷۶/۶۳، عدالت‌خواهی ۷۵/۳۶، مقابله با یک‌جانبه‌گرایی کشورهای قدرتمند ۶۹/۵۹، اعتراض به ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل ۶۶/۲۸، ضدژئومون ۶۱/۹ در میان منطقه آمریکای لاتین به‌خصوص کشورهای عضو آلبا گسترده است. در نتیجه این اشتراکات هویتی شرایط را برای حضور جمهوری اسلامی ایران و گسترش عمق راهبردی در منطقه آمریکای لاتین را فراهم نموده است.

واژگان کلیدی:

هویت‌های انقلابی، جمهوری اسلامی ایران، آمریکای لاتین، کشورهای آلبا، سازه‌انگاری

۱. عضو هیئت‌علمی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام) aliphd89@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

وقوع انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۷، منجر به پیدایش یک نظام سیاسی با هویتی مستقل و جدید در نظام بین‌الملل با نام «جمهوری اسلامی ایران» شد. هویتی که مهم‌ترین مبانی معنایی قوام دهنده به آن، هنجارهای موجود در فرهنگ مذهبی-اسلامی با تأکید بر عنصر شیعی بوده است و منجر به تکوین نوعی هویت «انقلابی-اسلامی» برای این کشور در صحنه نظام بین‌الملل شده است.

به‌طور کلی هویت دولت جمهوری اسلامی ایران یک موضوع شناختی مبتنی بر فهم مشترک از خود و کشورهای دیگر است که بیان‌گر نوعی احساس تداوم و استقلال درونی و همچنین تمایز و تفاوت بیرونی است. برداشت این نظام از هویت خود، همان‌گونه که در سند چشم‌انداز بیست‌ساله نیز به آن اشاره شده، یک هویت انقلابی-اسلامی است. این هویت بر اساس منابع قوام‌بخش آن، به‌طور هم‌زمان دربرگیرنده نقش‌های گوناگون فراملی و فرامرزی برای دولت است.

از سوی دیگر هویت انقلابی-اسلامی دولت جمهوری اسلامی ایران علاوه بر آن که در برداشت این نظام از خود بسیار مؤثر است و این کشور را دارنده مسئولیت‌ها و تکالیف فراملی مختلفی در چارچوب نقش‌های فراملی می‌کند؛ یک نظام ارزشی، قضائتی و یا قالب فکری رانیز برای آن پدید می‌آورد. در همین راستا در سال‌های اخیر گسترش موج دولت‌های مستقل در آمریکای لاتین با هویت انقلابی که نظام‌های سیاسی دیگر کشورها را در بر گرفت و با شیوه‌های اصلاح‌گرایانه و کسب قدرت از طریق مشارکت دموکراتیک راه را برای توده‌های فقیر باز کرد و حکومت‌های بومی با رویکرد انقلابی چون مورالس در بولیوی و دانیل اورتگاه در نیکاراگوئه، رافائل کوئرا در اکوادور و کوبا به رهبری فیدل کاسترو به وجود آورد و الگوی سوسیال دموکراتیک جدیدی را با رویکرد استقلال طلبانه، عدالت خواهانه، ضد سلطه بر مبنای اتحاد بولیواری برای ملت‌های آمریکای لاتین بنام آلبا را بنیان نهادند. روابط جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب با دولت‌های آمریکای لاتین در راستای مقابله با تحریم‌های اقتصادی آمریکا و جستجو برای منابع جایگزین و تأمین کالاهای ضروری بود. در نتیجه بخشی از طرح تنوع تجاری ایران با کشورهای آمریکای لاتین به‌منظور بهره‌برداری از منابع عمده واردات ایران از این منطقه بوده است. در واقع روابط با آمریکای لاتین بیشتر جنبه تجاری داشته تا سیاسی و از لحاظ سیاسی جزء اولویت‌های سیاست خارجی دولت‌های کارگزاران و اصلاحات نبود. ولی پس از روی کار آمدن دولت‌های انقلابی در منطقه آمریکای لاتین و دولت نهم در ایران اشتراکات هویتی میان انقلاب اسلامی ایران و دولت‌های انقلابی آمریکای لاتین بخصوص کشورهای



عضو آلبا فراهم شد و روابط با این کشورهای غیر از جنبه تجاری به تأملات سیاسی منتهی تا جایی که کشور عضو آلبا در عرصه بین‌المللی به‌خصوص در زمینه‌ی پرونده انرژی هسته‌ای و حقوق بشر از جمهوری اسلامی ایران حمایت نمودند. در این پژوهش درصدد واکاوی هویت‌های انقلابی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آمریکای لاتین با تأکید بر کشورهای عضو آلبا خواهیم بود؟

۲- ادبیات نظری و مطالعات پیشین

۲-۱- نظریه‌سازی انگاری

یکی از نظریه‌های غالب روابط بین‌الملل در دهه‌های اخیر، «نظریه‌سازی‌انگاران» است. پیشروان این نظریه در مباحث فراتر از در میانه طیف طبیعت‌گرایان/اثبات‌گرایان از یک سو و پسا ساختارگرایان از سوی دیگر جای می‌گیرند؛ و در مباحث محتوایی در میانه جریان واقع‌گرایی و لیبرالیسم قرار دارند. (مشیرزاده، ۱۳۸۴، ص ۳۱۵) در واقع‌سازی‌انگاری رویکردی است که پیش از طرح در روابط بین‌الملل، در جامعه‌شناسی معرفت و مباحث فراتر از در کل علوم اجتماعی مطرح بوده است و از این طریق وارد حوزه روابط بین‌الملل شده است؛ بنابراین این نظریه بیش از هر چیز یک چارچوب تحلیل است که برخی سعی کرده‌اند از آن یک نظریه روابط بین‌الملل استخراج کنند. (هادیان، ۱۳۸۲، ص ۴۸)

یکی از ابعاد مهم نظریه‌سازی‌انگاران روابط بین‌الملل، دیدگاهی است که این نظریه با استفاده از مبنای فراتر از خود نسبت به تجزیه و تحلیل سیاست خارجی ارائه می‌دهد. دیدگاهی که بر اساس قوام متقابل ساختار-کارگزار و عدم تقدم هستی‌شناسی یکی بر دیگری، نسبت به سیاست خارجی شکل می‌گیرد و این حوزه را جدای از حوزه سیاست بین‌الملل نمی‌داند. در همین راستا مبحث هویت دولت‌ها در صحنه نظام بین‌الملل و چگونگی تشکیل آن با تکیه بر مبانی بین‌دهنی یکی از مباحث هستی‌شناسانه و مهم این نظریه است که نقش مهمی را در شکل‌گیری و تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها بازی می‌کند. به همین منظور برای شناخت نقش‌های هویتی که در نظام جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های زمانی حال و آینده برای خود و در تعامل با دنیای خارج تعریف می‌کند، از این نظریه به‌عنوان چارچوب تحلیل استفاده شده است.

۲-۲- سازه‌انگاری و هویت

هویت یکی از مباحث مهمی است که به‌عنوان یک عامل معنایی مهم و پدیده‌ای اجتماعی، در جریان اصلی نظریه روابط بین‌الملل نسبتاً مورد بی‌توجهی قرار گرفته است و در مقابل در نظریه‌سازی‌انگاری به‌عنوان یک بحث هستی‌شناسانه مهم، از آن برداشت نسبتاً



جدیدی شده است. از منظر سازه‌انگاران شناخت هویت دولت‌ها در سیاست بین‌الملل و در جامعه داخلی، برای آن دست‌کم حداقلی از پیش‌بینی پذیری و نظم را تضمین کند، ضروری هستند. جهان‌عاری از هویت جهانی هرج‌ومرج زده و آکنده از بلاتکلیفی است که به مراتب خطرناک‌تر از اقتدارگریزی است. (Hopf, 1998, p 183)

هویت را می‌توان فهم‌ها و انتظارات از خود که خاص نقش است (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۳۲) و یا مجموعه‌ای از باورهای در مورد خود و دیگران و روابط میان آن‌ها تعریف کرد. (Fearon, Wendt, 2005, p 64) در همین زمینه «تد هاف» معتقد است که هویت‌ها در هر جامعه‌ای سه کارکرد دارند: به شما می‌گویند که کیستید، به دیگران می‌گویند که شما کیستید و به شما می‌گویند که دیگران کیست‌اند (هاف، ۱۳۸۴، ص ۴۵۵) بنابراین هر هویتی تعریف اجتماعی کنشگر است و ریشه در نظریه‌هایی دارد که کنشگران به شکل جمعی درباره خود دیگری دارند. (Wendt, 1994, p238) در واقع هویت مکانیسمی است که به افراد در کی از خود و ابزاری برای فهم روابط خود با محیط خارجی را ارائه می‌دهد. هویت یک بخش جدانشدنی از شناخت است که زندگی را قابل پیش‌بینی تر می‌کند از سوی دیگر تکوین هویت یک کنشگر مستلزم قائل شدن به مرزهایی میان خود و دیگری است. پس هویت‌ها به اعتباری مستلزم تفاوت نیز هستند. (Grossberg, 1996, p93)

ونت هویت را خصوصیتی در کنشگر نیت‌مند می‌داند که موجب «تمایلات انگیزشی و رفتاری» است. طبق این تعریف، ونت هویت را ریشه در فهم کنشگر از خود می‌داند اما معنای فهم اغلب وابسته به این است که آیا سایر کنشگران نیز کنشگر را به همان شکل بازمی‌کنند یا نه؟ و این نشان‌دهنده بعد بینادنی هویت است. به این معنا که در ساخت هویت دو انگاره وارد می‌شود: انگاره‌های خود و انگاره‌های دیگری. (ونت، ۱۳۸۴، ص ۳۲۶-۳۲۵) در واقع این تعریف حاکی از دیدی غیر ذات‌انگاره و یا غیر جوهر‌انگاره نسبت به هویت است. در این برداشت تأکید بر این است که هویت ساخته می‌شود و چیزی نیست که از قبل وجود داشته باشد. در همین رابطه ونت بیان می‌کند که: «هویت را نمی‌توان به شکل ماهوی یعنی جدای از بستر اجتماعی آن تعریف کرد». همین هویت‌های اجتماعی هستند که برداشت‌های خاصی از خود در رابطه با سایر کنشگران نشان می‌دهند و از این طریق منافع خاصی را تولید می‌کنند و به تصمیمات سیاست‌گذاری شکل می‌دهند. (Wendt, 1994, p 384-396)

بنابراین سازه‌انگاری برخلاف جریان اصلی که هویت کنشگران را در نظام بین‌الملل: مفروض، ثابت، از پیش داده‌شده و برون‌زا نسبت به تعاملات در نظر می‌گیرد، بر ساخته بودن هویت‌ها و درون‌زا بودن آن‌ها نسبت به تعاملات تأکید می‌کند و در همین راستا



هویت را به لحاظ هستی‌شناسی یک واقعیت اجتماعی و به لحاظ معرفت‌شناسی قابل شناخت می‌داند. (Pouliot, 2007, p 359-384)

از سوی دیگر همین هویت برساخته، در نظریه سازه‌انگاری به‌عنوان یک متغیر میانجی هنجارها و قواعد (ساختارهای معنایی بینادذهنی چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی) از یک‌سو و منافع و کنش کنشگران از سوی دیگر عمل می‌کند. به‌عبارت‌دیگر از نظر سازه‌انگاران هویت کنشگران (کیستی و چیستی آنان) را هنجارها، ارزش‌ها و ایده‌های نهادینه در محیط آن‌ها شکل می‌دهد و متعاقب شکل‌گیری این هویت است که کنشگران می‌توانند شکل‌گیری منافعشان را تعریف کنند، بنابراین هویت‌ها پایه و اساس منافع هستند و کشورها بر اساس هویتی که برای خود تعریف می‌کنند منافع خود را نیز تعریف می‌کنند. (Smith, 2001, p 225-226)

نوواقع‌گرایان و نولیبیرال‌ها آگاهانه مسائل مربوط به شکل‌گیری منافع را کنار می‌گذارند و ترجیحات دولت‌ها را در نظام بین‌الملل به چشم مسلماتی تعیین شده از بیرون می‌نگرند که پیش از تعاملات اجتماعی وجود دارند. (Price, Smith, 1998, p 261) در مقابل سازه‌انگاران با بحث در مورد بنیان‌های غیرمادی هویت دولت‌ها و همچنین با بحث در مورد تشکیل و تکوین متقابل هنجارها، هویت و منافع آن‌ها، مفروض نظریه‌های جریان اصلی را کنار می‌گذارند (به‌خصوص نوواقع‌گرایی مبنی بر این که تمامی واحدهای سیاست جهان تنها به یک هویت معنادار یعنی هویت دولت‌های نفع‌جو ادارند). (Hopf, 1998, p 185) از نگاه سازه‌انگاران، کنشگر سیاست خارجی، یک کنشگر اجتماعی و ایفاکننده نقش است و نه یک کنشگر اقتصادی. از این منظر کنشگران اجتماعی بر اساس هنجارها و قواعدی که خود مبتنی بر پیشینه‌ای از عوامل ذهنی، تجربه تاریخی و فرهنگی است، تصمیم‌گیری می‌کنند؛ بنابراین این قواعد و هنجارها هستند که رفتار مناسب را تعیین می‌کنند و در نتیجه کنشگران بر اساس منطق زیبندگی و یا تناسب عمل می‌کنند، نه بر اساس منطق نتایج. به این معنا که رفتار آن‌ها در حوزه سیاست خارجی می‌بایست با ارزش‌ها و هنجارهایی که هویت آن‌ها را تشکیل کرده، متناسب باشد. از این منظر هنجارها تابع منافع کنشگر نیست، بلکه این منافع هستند که حاصل تکوینی هنجارها و قواعد هستند. (Kubalkova, 2002, p 42) «ریتبرگر» نیز معتقد است که در تحلیل سیاست خارجی برخلاف منطق خردگرایی، معمای امنیت نقطه آغاز تحلیل مناسبات میان دولت‌ها و سیاست خارجی آن‌ها نیست؛ زیرا دولت‌ها بر اساس هویت خود و همچنین برداشت از محیط دست به انتخاب گزینه‌ای می‌زنند که حتی ممکن است امنیت فیزیکی آن‌ها را به خطر اندازد.



در بررسی منابع بین‌ذهنی قوام دهنده به هویت دولت‌ها نظریه پردازان سازه‌انگاری به سطوح مختلفی از این ساختارهای معنایی تکیه می‌کنند. به‌عنوان مثال در حالی که ونت به‌عنوان یک سازه‌انگاری سیستمی توجه خود را در تکوین هویت، بر هنجارهای بین‌المللی و ساختارهای معنایی نظام بین‌الملل می‌گذارد، (Wendt, 1992, p392-425)، «کاتزنشتاین» به‌عنوان یک سازه‌انگار سطح واحد بر سرچشمه‌های داخلی مؤثر در شکل‌گیری هویت دولت تأکید دارد (Katzenstein, 1996) و سازه‌انگاران کلی‌گرا نیز مثل «کراتوچویل» و «راگی» بررسی عوامل معنایی در دو سطح را لازم و ضروری می‌دانند (Kratochwil, Ruggi, 1986) این در حالی است که تأکید بر هنجارهای بین‌المللی و یا فراملی بیشتر می‌تواند شباهت در سیاست خارجی را بیان کند و در مقابل تأکید بر هنجارهای داخلی می‌تواند بیان‌کننده تفاوت در سیاست خارجی کشورها باشد.

در همین زمینه «اسمیت» تأثیر این ساختارهای هنجاری و معنایی بر کنشگران در هر سطحی را، در سه حوزه می‌داند: اول تعیین مقدرات و محذورات مربوط به کنش کنشگران، دوم مشروعیت دادن به کنش و اقدام کنشگران و سوم ایجاد تغییرات رفتاری در کنشگران. (Smith, 2001, p218-219)

از میان سه سطح ارائه‌شده، در این تحقیق مقاله از «سطح تحلیل سیستمی ونتی» برای شناخت هویت شکل‌گرفته برای نظام جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو آلبا استفاده شده است. در همین راستا شرایط تاریخی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو آلبا دارای اشتراکاتی است که این اشتراکات یک معنای بین‌ذهنی بین انقلاب اسلامی ایران با کشورهای آلبا ایجاد کرده که باعث یک هویت مشترک شده است.

۲-۳- منابع هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران

«ماکس وبر» درباره اهمیت نقش باورهای مذهبی در هویت یک ملت معتقد است که انسان جدید حتی با بیش‌ترین حسن نیت نمی‌تواند اهمیت و تأثیر باورهای دینی را در فرهنگ، خصلت و هویت ملی بازشناسد. (Weber, 1990) وقوع انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷، منجر به پیدایش یک نظام سیاسی با هویتی مستقل و جدید در نظام بین‌الملل با نام «جمهوری اسلامی ایران» شد. هویتی که مهم‌ترین مبانی معنایی قوام دهنده به آن، هنجارهای موجود در فرهنگ مذهبی-اسلامی با تأکید بر عنصر شیعی بوده است و منجر به تکوین نوعی هویت «انقلابی-اسلامی» برای این کشور در صحنه نظام بین‌الملل شده است.

امام خمینی (ره) به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی بر بعد سیاسی آموزه‌های اسلامی - شیعی و پیوند دین با سیاست تأکید کردند و در همین راستا هدف نهایی انقلاب را که به



بیان ایشان ماهیتی کاملاً اسلامی داشت، بازگرداندن هویت اسلامی به ایران ذکر کردند. (امام خمینی، ج ۵، ۱۳۷۸، ص ۱۷۸) از نظر امام، رژیم پهلوی و دیگر رژیم‌های گذشته مثل دولت‌های اموی و عباسی همگی در یک معنا مشترک بودند: نمی‌خواستند اسلام آن‌طور که هست، تحقق پیدا کند. (امام خمینی، ج ۴، ۱۳۷۸، ص ۱۹۹) بنابراین اولین وظیفه دولت جدید جمهوری اسلامی ایران آن بود که اسلام و آموزه‌های آن را در همه ابعاد زندگی از جمله سیاست، بی‌کم‌وکاست پیاده کند. در همین زمینه امام خمینی در مورد نقش آموزه‌های مذهبی در تکوین هویت نظام سیاسی جدید ایران بیان می‌کند که: «جمهوری اسلامی ایران حکومتی است متکی بر ضوابط اسلام؛ و قانون اساسی آن اسلام است. متصدیان آن نیز حائز شرایط معین شده در اسلام هستند؛ بنابراین خطوط کلی این حکومت، اصول مسلم اسلامی است که در قرآن و سنت بیان شده و الگوی رفتار آن شیوه پیامبر و امام علی در حکومت است.» (امام خمینی، ج ۲، ۱۳۷۸، ص ۱۱۴)

البته اسلام مورد نظر امام، اسلامی است با آموزه‌های شیعی و با رویکردی انقلابی که در مقابل اسلام محافظه کار قرار دارد. این مسئله را می‌توان در تمایز اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی از دیدگاه وی مشاهده کرد.

بر همین اساس به مهم‌ترین شاخص‌های «هویت انقلابی-اسلامی» که مبتنی بر آموزه‌های اسلام و مکتب شیعه و دیدگاه‌های امام و رهبری در قانون اساسی شکل گرفته و به‌عنوان چراغ راه بر هدایت سیاست خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد می‌پردازیم و سپس با تأکید و در نظر گرفتن عنصر تفسیر و دامنه آن، از محتوای معانی بینادهنی قوام دهنده به این هویت، به بیان این نکته خواهیم رسید که: این هویت شکل گرفته در تمامی دوره‌های سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران (از بعد از وقوع انقلاب تا به حال و همچنین آینده) ثابت است و نقش‌های نسبتاً یکسانی را برای دولت‌ها در صحنه نظام بین‌الملل ایجاب می‌کند. اگرچه در هر دوره برای بازنمایی این نقش‌ها الگوهای متفاوتی در نظر گرفته شده است و احتمالاً خواهند گرفت.

به‌طور کلی هویت دولت جمهوری اسلامی ایران یک موضوع شناختی مبتنی بر فهم مشترک از خود و کشورهای دیگر است که بیانگر نوعی احساس تداوم و استقلال درونی و همچنین تمایز و تفاوت بیرونی است. برداشت این نظام از هویت خود، همان‌گونه که در سند چشم‌انداز بیست‌ساله نیز به آن اشاره شده، یک هویت انقلابی-اسلامی است. این هویت بر اساس منابع قوام‌بخش آن، به‌طور هم‌زمان در برگیرنده نقش‌های گوناگون فراملی و فرامرزی برای دولت است؛ که البته در هر دوره از سیاست خارجی بخشی از این نقش‌ها برجسته شده و مورد توجه قرار گرفته است. از سوی دیگر هویت انقلابی-اسلامی



دولت جمهوری اسلامی ایران علاوه بر آن که در برداشت این نظام از خود بسیار مؤثر است و این کشور را دارنده مسئولیت‌ها و تکالیف فراملی مختلفی در چارچوب نقش‌های فراملی مختلفی می‌کند؛ یک نظام ارزشی، قضاوتی و یا قالب فکری را نیز برای آن پدید می‌آورد. در همین راستا ملاک‌های متفاوتی را برای «خودی‌ها» و «دگرها» در عرصه ملی و فراملی برای این کشور ایجاد می‌کند. براساس همین ملاک‌ها مرز میان دوست و دشمن ترسیم و وقایع بیرونی تعبیر و تفسیر می‌شود. (Moshirzadeh, 2007, p156-157)

برای شناخت بهتر هویت انقلابی-اسلامی جمهوری اسلامی ایران، بایستی به شناسایی مشخصه‌های هویتی این نظام بپردازیم. با مروری بر ساختارهای معنایی قوام دهنده هویت نظام و هنجارهای مبتنی بر آن و همچنین بیان‌های خود دولت‌مردان و رهبران این نظام، می‌توان از موارد زیر به‌عنوان مهم‌ترین مشخصه‌های هویتی دولت جمهوری اسلامی ایران که در منطقه آمریکای لاتین و کشورهای عضو آلبا گسترش یافته‌اند نام برد:

۱) دولت تجدیدنظرطلبانه نسبت به نظم و نظام بین‌الملل

۲) دولت عدالت‌خواه و استقلال‌طلب

۳) دولت ضد امپریالیست، ضد هژمون و ضد استعماری.

۴) دولت آرمان‌گرای اسلامی. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۵-۲۸۷)

می‌توان دیدگاه‌های مشترک جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آلبا نسبت به ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل، یک‌جانبه‌گرایی کشورهای قدرتمند غرب، سیاست‌های ضد هژمونی، رویکردهای استقلال‌طلبانه و عدالت‌خواهانه که باعث توسعه روابط آن‌ها با یکدیگر شده است را بر اساس نظریه‌سازانگاری به‌عنوان یک هویت مشترک در نظر گرفت.

۲-۴- نگاه کوتاه به آمریکای لاتین

آمریکای لاتین منطقه‌ای از هجده کشور اسپانیولی زبان، یک کشور پرتغالی زبان (برزیل) و یک کشور فرانسوی زبان با لهجه بومی (هاییتی) تشکیل می‌شود و مساحت آن به ۲۱۰۶۹۵۰۱ کیلومتر مربع می‌رسد. اصطلاح آمریکای لاتین در مقابل اصطلاح آمریکای انگلیسی تبار قرار می‌گیرد که منظور از آن مناطقی از قاره آمریکاست که زبان غالب آن‌ها انگلیسی است. آنچه به‌طور کلی از منطقه آمریکای لاتین برداشت می‌شود، دربرگیرنده مکزیک، بخش اعظم آمریکای مرکزی و آمریکای جنوبی به‌اضافه کوبا، جمهوری دومینیکن و پورتوریکو واقع در منطقه کارائیب است. در یک تعریف دقیق‌تر آمریکای لاتین را می‌توان تمامی کشورها و مناطقی نامید که زبان‌های رومیایی، از جمله فرانسه، اسپانیا و پرتغالی در آن رایج است. بر این اساس آمریکای لاتین نه تنها دربرگیرنده



کشورها و مناطق اسپانیایی و پرتغالی زبان، بلکه فرانسه زبان، نظیر هائیتی، گوادالوپ، گویان و آنتیلز نیز خواهد شد. (احمدی لفور کی، ۱۳۸۷)

آنچه در این تحقیق به عنوان آمریکای لاتین تلقی شده، منطقه‌ای است مشتمل بر مکزیک، آمریکای مرکزی، آمریکای جنوبی و کارائیب که بیست کشور آرژانتین، بولیوی، برزیل، شیلی، کلمبیا، کاستاریکا، کوبا، جمهوری دومینیکن، اکوادور، السالوادور، ونزوئلا، اروگوئه، پرو، پاراگوئه، پاناما، نیکاراگوئه، مکزیک، هندوراس، هائیتی و گواتمالا و ده واحد سیاسی وابسته که معروف‌ترین آن‌ها پورتوریکو - وابسته سیاسی آمریکا - اعضای آن هستند و جمعیتی معادل ۵۴۱ میلیون نفری را در خود جای داده‌اند.

آمریکای لاتین با داشتن ۴/۵ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی، ۴۲۳ میلیارد دلار صادرات کالا و خدمات و ۳۶۸ میلیارد دلار واردات کالا و خدمات (در سال ۲۰۰۵) و بر خور داری از منابع عظیم نفت و گاز و ظرفیت بالای معدنی، صنعتی و کشاورزی از دیرباز مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده و آمریکا از اواخر قرن نوزدهم و مطرح شدن دکترین مونروئه و شروع سیاست انزوگرایی همواره تلاش کرده تا به دو طریق نظامی و اقتصادی سلطه و نفوذ مطلق بر سرزمین مذکور داشته باشد. (احمدی لفور کی، ۱۳۸۷، ص ۲)

ریچارد سی ویلیامسون^۱ در کتاب خود «جوامع آمریکای لاتین در مسیر تحول»^۲ پیشنهاد می‌کند که بر حسب شرایط قومی، کشورهای آمریکای لاتین را می‌توان به چهار گروه عمده طبقه‌بندی کرد:

- ۱) کشورهایی که در آن جمعیت مستیزو (سفید و سرخ) برتری دارند؛
- ۲) کشورهایی که ویژگی‌های بارز اروپایی دارند؛
- ۳) کشورهایی با گروه‌بندی‌های واضح سرخ‌پوستی و عموماً ساکن در سرزمین‌های کوهستانی و بلند؛
- ۴) کشورهایی که ترکیبات آفریقایی^۳ غالب دارند

گروه اول را کشورهایی همچون ونزوئلا و کلمبیا در آمریکای جنوبی و نیکاراگوئه، السالوادور، هندوراس و پانامادر آمریکای مرکزی و مکزیک تشکیل می‌دهند. کشورهایی که اکثر اروپایی هستند عبارت‌اند از: آرژانتین، شیلی، اروگوئه، کاستاریکا و کشورهای با گروه سرخ‌پوست شامل گواتمالا، اکوادور، پرو، بولیوی و پاراگوئه سرانجام کشورهای دارای ترکیبات آفریقایی: برزیل و کشورهای حوزه کارائیب، کوبا، جمهوری دومینیکن و هائیتی. اقتصادهای این منطقه از تنوع مشابهی برخوردارند. کشورهای معدودی (آرژانتین، برزیل، اروگوئه، ونزوئلا و کوبا) از زمین‌های کشاورزی غنی برخوردارند و محصولات هم‌چون

1. Richard C. Williamson

2. Latin American Societies in Transition

3. African Admixture



شکر، قهوه، دانه کاکائو و میوه‌های استوایی بیش تر کشت می شود و بعضی از کشورها همچون مکزیک از معادن معدنی و کشورهای آمریکای جنوبی همچون ونزوئلا و بولیوی از نفت و گاز فراوانی برخوردارند. (هواردجی، ۱۳۸۷، ص ۲۵-۲۴)

۲-۵- شکل گیری آلبا

قدرت یافتن دولت‌های مستقل در آمریکای لاتین در سال‌های اخیر بیش از هر چیز باعث حرکت به سوی استقلال در تصمیم‌گیری‌ها و هم‌گرایی منطقه‌ای در دو بعد اقتصادی و سیاسی به‌عنوان یک رویکرد جایگزین در مقابل وابستگی به آمریکا شده است. به گفته نوام چامسکی از زمان اشغال آمریکای جنوبی توسط اسپانیا در ۵۰۰ سال پیش، این نخستین حرکت واقعی دولت‌های آمریکای لاتین برای همگرایی در این منطقه است. این کشورها بسیار منفصل و جدا از یکدیگر بوده‌اند و همگرایی پیش‌شرطی است برای استقلالی اصیل و معتبر. از مهم‌ترین نتایج این همگرایی عدم قبول پیمان منطقه آزاد تجاری آمریکا (ALCA) یا (FTAA) از سوی کشورهای بزرگ و مهم منطقه آمریکای لاتین و ارائه طرح‌های جایگزین منطقه‌ای نظیر طرح آلبا و مرکوسور به‌جای آن است. آمریکا تاکنون به دلیل مخالفت کشورهایی چون برزیل، آرژانتین، ونزوئلا، اروگوئه و پاراگوئه نتوانسته به نتیجه پیمان منطقه آزاد تجاری آمریکا دست یابد. یکی از نمونه‌های هم‌گرایی منطقه‌ای در راستای استقلال سیاسی و اقتصادی در منطقه آمریکای لاتین، طرح چاوز با عنوان (بدیل بولیواری برای آمریکای لاتین) معروف به (آلبا) است. چاوز معتقد بود به‌جای اجرای طرح‌های آمریکایی^۱ باید راه‌حلی را که منافع کشورهای کوچک و در حال توسعه آمریکای لاتین را وجود دارد، پیدا و اجرا کرد. هم‌اکنون ونزوئلا، کوبا، بولیوی، نیکاراگوئه و اکوادور عضو طرح چاوز یا آلبا هستند و در قالب آن همکاری‌های تجاری و اقتصادی خود را گسترش داده‌اند. (احمدی لفورکی، ۱۳۸۷، ص ۲)

طرح چاوز با عنوان (بدیل بولیواری برای آمریکای لاتین) معروف به (آلبا) برگرفته از سیمون بولیوار^۲، بولیوار بر دفاع از استقلال ملی، رفع تبعیض و حل نابرابری‌های

۱. (پیمان منطقه آزاد تجاری آمریکا) از آخرین برنامه‌های آزادسازی تجاری است که ایالات متحده به دنبال اجرای آن و افزایش نفوذ اقتصادی خود در آمریکای لاتین است. این پیمان نسبت به موافقت‌نامه‌ها و طرح‌های تجارت آزاد قبلی، نظیر نفت از سیاست‌های شدیدتری برای آزادسازی تجاری در راستای منافع آمریکا برخوردار است و در صورت اجرا میلیاردها دلار یارانه از جیب مردم فقیر کشورهای آمریکای لاتین به جیب شرکت‌های چندملیتی واریز خواهد شد.
 ۲. (Simon Bolivar) قهرمان نهضت استقلال طلبی کشورهای آمریکای جنوبی از استعمار اسپانیا است که طی مبارزات خود در سال‌های اولیه قرن نوزدهم، موجب استقلال اکوادور، کلمبیا، ونزوئلا و بخشی از پرو و بولیوی شد. امروزه کشورهای منطقه یاد این قهرمان آزادی‌بخش را با نصب مجسمه‌هایی از وی در میدان‌ها شهرهای بزرگ کشورهای آمریکای جنوبی گرامی می‌دارند. سیمون بولیوار علیه تبعیض و بی‌عدالتی به‌ویژه ستمی که بر بومیان اعمال می‌شد، قیام و به غارت منابع و معادن غنی آمریکای لاتین توسط استعمارگران اعتراض کرد.



اجتماعی تأکید می‌کرد. (ابراهیم بای سلامی، ۱۳۸۷)

بر همین اساس توسل چاوز به سیمون بولیوار به‌عنوان قهرمان آزادی آمریکای لاتین و عبور پنهان وی از نمادهای ایدئولوژی و چهره‌های مارکسیستی همچون چه‌گوارا و فیدل کاسترو هوشمندانه و زیرکانه بود، چاوایسم در مقابل نئولیبرالیسم و گسترش فاصله طبقاتی ناشی از آن به حمایت سازمان‌دهی شده از محرومان و بومیان پرداخت و حس مشارکت فعال در عرصه سیاست و اقتصاد را در آن‌ها برانگیخت، در سال اخیر موج چاوایسم نظام‌های سیاسی دیگر کشورها را در بر گرفت و شیوه‌های اصلاح‌گرایانه و کسب قدرت از طریق مشارکت دموکراتیک راه را برای توده‌های فقیر و بومیان باز کرد و حکومت بومیان از طریق صندوق‌های رأی بعد از پیروزی هوگو چاوز در ونزوئلا باز شد، مورالس با مشی عدالت‌خواهانه به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور بومی در بولیوی در سال ۲۰۰۶، دانیل اورتگا برای دومین بار در مشی اعتدال‌گرایانه در نیکاراگوئه رئیس‌جمهور شد و رافائل کوئرا با تغییر رویکرد اقتصادی از نئولیبرالیسم و سرمایه‌داری به اقتصاد مردمی در اکوادور به‌عنوان یک اقتصاددان به ریاست جمهوری رسید. (ملک محمدی، ۲۰۰۶)

رؤسای جمهور کشورهای مذکور در کنار کوبا به رهبری فیدل کاسترو الگوسوسیال دموکراتیک جدیدی را با اساس بولیواریستی بنیان نهاده‌اند، اکنون آمریکای لاتین تاریخ سیاسی تازه‌ای را آغاز کرده است و مردم عدالت‌خواهی و رفع تبعیض را با شور، نشاط و مشارکت دموکراتیک تعقیب می‌کنند و برای زندگی آزاد و انسانی پیکار کرده و روح و اساس این پیکار را در چشم‌انداز اتحادیه بولیواری برای ملت‌های آمریکای لاتین (با نام اختصاری آلبا) که با ابتکار چاوز در سال ۲۰۰۶ بنیان نهاده شد، دنبال می‌کنند. اعضای این اتحادیه کشورهای ونزوئلا، کوبا، نیکاراگوئه، بولیوی و اکوادور محسوب می‌شوند. هدف عمده اتحادیه آلبا را امروز مبارزه برای از میان بردن فقر، مقاومت در برابر تهدیدات ایالات‌متحده آمریکا، گسترش آموزش پرورش، مبارزه با بی‌سوادی و ایجاد بهداشت عمومی تشکیل داده است. در واقع ایدئولوژی اتحادیه یا گروه آلبا، برای از میان بردن فقر و گسترش عدالت هست.

۲-۶- پیشینه موضوع

در خصوص ادبیات و پیشینه علمی پیرامون موضوع این مقاله موارد ذیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند که روش و مهم‌ترین یافته‌های هر یک در جدول زیر آمده است:



جدول شماره ۱- پیشینه موضوع

نویسنده	روش و مهم ترین یافته‌ها
۱ جان اسپوزیتو (۱۳۸۲)	موضوع مشترک مقالات، صدور انقلاب ایران و تأثیر انقلاب اسلامی به شکل وسیع آن _ از الهام بخشی تا مداخله _ است، ضمن آن که هر مقاله به بررسی بازتاب انقلاب اسلامی در کشور یا منطقه‌ای خاص اختصاص دارد.
۲ دهقانی فیروزآبادی و راد فر (۱۳۹۱)	این مقاله به تبیین و واکاوی الگوی صدور انقلاب اسلامی ایران در سیاست خارجی دولت نهم می‌پردازد. در این مقاله استدلال می‌شود که الگوی غالب صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم، ایجاد و معرفی دولت عدل اسلامی در قالب جمهوری اسلامی ایران است.
۳ دهقانی، فیروزآبادی (۱۳۸۸)	این مقاله با هدف واکاوی گفتمان عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نگاشته شده است. گفتمان عدالت بر هفت عنصر گفتمانی زیر استوار است: عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی، صلح‌طلبی مثبت، حمایت از مسلمانان و مستضعفان، ظلم‌ستیزی، استکبار زدایی، سلطه‌ستیزی و تجدیدنظرطلبی.
۴ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه (۱۳۸۷)	مجموعه مقالاتی است به قلم گروهی از شخصیت‌های علمی و استادان و پژوهشگران صاحب‌نظر از دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشورهای مختلف درباره توسعه روابط با کشورهای آمریکای لاتین در دولت نهم و همچنین به جایگاه کشورهای آمریکای لاتین در نظام بین‌الملل می‌پردازد.
۵ قربان پور (۱۳۸۷)	با روش توصیفی تحلیلی به معرفی و بررسی فراز و فرود تاریخ سیاسی کشورهای مهم و تأثیرگذار منطقه آمریکای لاتین در موضوعات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حکومت‌های منطقه لاتین می‌پردازد.
۶ لطفیان (۲۰۱۰)	با روش توصیفی تحلیلی به بررسی سیاست خارجی دولت نهم در آمریکای لاتین پرداخته است. در این مقاله نیز به سیاست خارجی دولت نهم در این منطقه می‌پردازد ولی به رابطه هویت‌های انقلابی ایران این منطقه نپرداخته.
۷ اسفندیاری، استوبیتس و آرنسون (۲۰۰۴)	کتابی توصیفی تحلیلی که علی‌رغم داشتن غنای خوب و پرداختن به سیاست خارجی دولت نهم با کشورهای منطقه آمریکای لاتین این کتاب بیشتر به ارائه اتهامات واهی و غیرواقعی از ایجاد و گسترش این روابط می‌پردازد.

با توجه به مطالبی که در جدول فوق و به‌عنوان نمونه در خصوص پیشینه موضوع ذکر شد، می‌توان گفت مسئله این مقاله که در پی شناسایی اشتراکات هویتی انقلاب اسلامی و کشورهای آمریکای لاتین با تأکید بر کشورهای عضو آلبا تدوین شده، نسبت به مقالات قبلی متمایز و می‌توان گفت که پژوهش جدیدی است.

۳- روش تحقیق

روش مقاله به لحاظ ماهیت کاربردی و به لحاظ روش‌شناسی پیمایشی (کمی) و با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته است. جامعه آماری مرکب از سیاست‌مداران و تصمیم‌گیرندگان حوزه روابط خارجی کشورهای عضو آلبا (شامل رؤسای جمهور،



وزیران خارجه، معاونین وزیران خارجه، سفیران و کارشناسان) و همچنین در سطح جامع دانشگاهی (اکوادور، بولیوی، نیکاراگوئه، ونزوئلا) که جزئیات آن در جدول زیر آمده است. با توجه به زمان کوتاه اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد در تهران (۱۳۹۱) و نیز با توجه به کفایت نظری حجم، نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده، با حجم ۲۳ نفر در نظر گرفته شد.

علاوه بر این جهت تقویت یافته‌ها و ارائه راهبردها از دو نفر از رؤسای جمهور و سفیران مصاحبه به عمل آمده است.

جدول شماره ۲- جامعه آماری تحقیق

ردیف	کشورها	رئیس جمهور	وزیر خارجه	معاون وزیر خارجه	سفیر	کارشناس وزارت خارجه	دانشگاهیان	مجموع
۱	اکوادور	-	۱	۱	-	۱	۳۶	۳۹
۲	بولیوی	۱	-	-	۱	۲	۱۲	۱۶
۳	کوبا	-	-	۲	-	۱	-	۳
۴	ونزوئلا	-	-	-	۱	۸	۱۷	۲۶
۵	نیکاراگوئه	-	-	-	۱	-	۱۰	۱۱
۹۵	جمع کل							

همان‌طور که در جدول فوق آمده است پاسخگویان به پرسشنامه بر مبنای کشورهای و در سطح سیاستمداران و جامعه دانشگاهی مشخص شده است. بر همین اساس در کشور اکوادور با فراوانی ۳۹ نفر (شامل ۱ نفر وزیر امور خارجه، ۱ نفر معاون وزیر، ۱ نفر کارشناس و ۳۶ نفر دانشگاهی) در کشور ونزوئلا با فراوانی ۲۶ نفر (شامل ۱ نفر سفیر، ۸ نفر کارشناسان و ۱۷ نفر جامعه دانشگاهی) در کشور بولیوی با فراوانی ۱۶ نفر (شامل ۱ نفر رئیس جمهور، ۱ نفر سفیر، ۲ نفر کارشناس و ۱۲ نفر جامعه دانشگاهی) در کشور نیکاراگوئه با فراوانی ۱۱ نفر (شامل ۱ نفر سفیر و ۱۰ نفر جامعه دانشگاهی) در کشور کوبا با فراوانی ۳ نفر (شامل ۲ نفر معاون وزیر و ۱ نفر کارشناس) پرسشنامه تکمیل شده است.

بر اساس مطالعات قبلی و نیز تجربه پژوهشی مؤلف مقاله، پنج مؤلفه اصلی ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل، یک‌جانبه‌گرایی کشورهای قدرتمند غرب، سیاست‌های ضد همزمنی، رویکردهای استقلال طلبانه و عدالت خواهانه استخراج و برای هر کدام از این مؤلفه‌ها گویه‌های چندگانه به شرح جدول زیر تدوین شده است.



جدول شماره ۳- مؤلفه‌های اصلی و گویه‌های مربوطه

مؤلفه‌ها	گویه‌ها
استقلال طلبی	رویکرد استقلال‌طلبانه ایران و اعضای آلبا در سیاست خارجی باعث همگرایی کشورهای آلبا و ایران
	روی کار آمدن دولت‌های انقلابی در کشورهای عضو آلبا باعث نزدیک جمهوری اسلام ایران و آلبا شده است
	رویکرد جمهوری اسلامی ایران و اعضای آلبا مبنی بر حمایت از کشورهای مستقل باعث همگرایی آلبا و ایران
عدالت‌خواهی	سیاست خارجی جمهوری اسلام ایران و کشورهای اتحادیه آلبا خواهان صلح و برابری در عرصه بین‌المللی هستند
	ایا روابط جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اتحادیه آلبا در آمریکای لاتین متأثر از نوع گرایش روسای جمهور کشورهای عدالت‌خواهی در عرصه داخلی و بین‌المللی
یک‌جانبه‌گرایی کشورهای قدرتمند	یک‌جانبه‌گرایی کشورهای قدرتمند و حق و تو در شورای امنیت باعث نزدیکی کشورهای عضو آلبا و جمهوری اسلامی ایران
	رویکرد رئیس‌جمهور ایران در به چالش کشیدن نظام سلطه باعث گرایش کشورهای عضو آلبا
ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل	روابط جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اتحادیه آلبا متأثر از نوع گرایش روسای جمهور کشورهای نسبت وضعیت سازمان ملل
	سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اتحادیه آلبا در عرصه بین‌المللی خواهان تغییر وضع موجود
	افکار و نظرات رئیس‌جمهور ایران و روسای کشورهای عضو آلبا نسبت به نظام بین‌الملل
ضد همزمن بین‌الملل	افکار عمومی کشورهای اتحادیه آلبا در آمریکای لاتین ضد سیاست‌های آمریکا
	تمایلات ضد آمریکای جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو آلبا باعث توسعه روابط است

بر اساس جدول فوق فرضیه اصلی به چند مؤلفه همچون ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل، یک‌جانبه‌گرایی کشورهای قدرتمند غرب، سیاست‌های ضدهم‌زمنی، رویکردهای استقلال‌طلبانه و عدالت‌خواهانه تبدیل و هر مؤلفه را به چند شاخص و هر شاخص را به یک گویه تبدیل و پرسشنامه با ۲۲ گویه ایجاد شده است.

۴- یافته‌ها

در این قسمت برای هر یک از مؤلفه‌ها، توضیح مختصر و میزان موافقت و میانگین نظرات داده‌شده در خصوص گویه‌های مربوط به هر مؤلفه آورده شده است:

۴-۱- مؤلفه استقلال طلبی

یکی از نموده‌ها و نمادهای رویکرد انقلابی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و روابط بین‌الملل، استقلال طلبی و آزادی عمل است؛ همچنان که یکی از مظاهر و مصادیق



بیدادگری و ستمکاری قدرت‌های استعمارگر در ایران، نقض استقلال و حاکمیت ملی این کشور بوده است. تحمیل قراردادهای ناعادلانه از سوی روسیه و انگلیس بر ایران و مداخله گسترده امریکادرامور داخلی کشور، استقلال طلبی را به صورت یکی از آرمان‌های ملت ایران در آورد؛ به گونه‌ای که استقلال خواهی یکی از انگیزه‌ها و اهداف بنیادی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بود. ملت ایران به همان اندازه که از استبداد شاه ناراضی بودند، از سیاست خارجی وابسته آن به غرب و امریکا نیز خشنودی نداشتند؛ (رمضانی، ۱۳۷۶، ص ۵۸) از این رو، «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، نه تنها دو شعار اساسی انقلاب اسلامی بودند؛ بلکه به دو اصل بنیادین سیاست خارجی ایران تبدیل شدند، به گونه‌ای که استقلال به عنوان یکی از مهم‌ترین ارزش‌های ملت ایران در صدر اولویت‌های منافع و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گرفته و پیگیری شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز تصریح می‌کند، سیاست خارجی آن بر اساس حفظ استقلال همه جانبه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استوار است (اصول دوم و یک‌صد و پنجاه و دوم).

همان‌طور که در قسمت روش تحقیق توضیح داده شد، ابعاد هویت انقلاب اسلامی به چندین مؤلفه تبدیل و هر مؤلفه در پرسش‌نامه دارای گویه واحدی است. در این قسمت مؤلفه استقلال طلبی به عنوان یکی از هویت‌های انقلابی جمهوری اسلامی ایران و گویه‌های آن در جدول زیر ارائه شده است. بر این اساس بیشتر پاسخ‌دهندگان به گویه‌های مؤلفه استقلال طلبی، گزینه موافق و کاملاً موافق پاسخ داده‌اند.

جدول شماره ۴- مؤلفه استقلال طلبی و گویه‌های آن

میانگین	جمع	کاملاً موافق	موافق	گویه‌ها	مؤلفه‌ها
۷۶/۶۳	۷۸/۳۵	۲۹/۹۰	۴۸/۴۵	رویکرد استقلال طلبانه ایران و اعضای آلبا در سیاست خارجی باعث هم‌گرایی کشورهای آلبا و ایران.	استقلال طلبی
	۷۳/۴۱	۱۵/۱۶۹	۵۷/۴۵	روی کار آمدن دولت‌های انقلابی در کشورهای عضو آلبا باعث نزدیکی جمهوری اسلام ایران و آلبا شده است.	
	۷۸/۱۳	۱۶/۶۷	۶۱/۴۶	روی کار آمدن دولت‌های انقلابی در کشورهای عضو آلبا باعث نزدیکی جمهوری اسلام ایران و آلبا شده است.	

بر اساس جدول فوق، پاسخ‌دهندگان در کشورهای عضو آلبا به مؤلفه استقلال طلبی (به‌عنوان یکی از شاخص‌های فرضیه) که گویه ۱ بر اساس گزینه موافق و کاملاً موافق با ۷۸/۳۵ درصد و گویه ۲ بر اساس گزینه موافق و کاملاً موافق با ۷۳/۴۱ درصد و گویه ۳



بر اساس گزینه موافق و کاملاً موافق با ۷۸/۱۳ درصد پاسخ داده‌اند، بر این اساس مؤلفه استقلال طلبی با میانگین ۷۶/۶۳ به‌عنوان هویت مشترک میان جمهوری اسلامی ایران و افکار عمومی منطقه آمریکای لاتین و کشورهای عضو آلبا است.

۴-۲- مؤلفه عدالت‌خواهی

حکومت جمهوری اسلامی ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه ملت ایران به حکومت حق و عدل قرآن تأسیس شد (اصل اول قانون اساسی)؛ از این رو، نظام جمهوری اسلامی بر پایه ایمان به «عدل خدا در خلقت و تشریح» و «قسط و عدل» (اصل دوم قانون اساسی) برای «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» (اصل سوم قانون اساسی) استوار است. یکی از مهم‌ترین وظایف و مسئولیت‌های این حکومت اسلامی، «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد... و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» و «پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه» هست (اصل سوم قانون اساسی).

عدالت‌خواهی تنها در مرکز سیاست داخلی جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یک دولت دینی قرار ندارد، بلکه کانون هویت‌یابی و مفصل‌بندی سیاست خارجی آن نیز به شمار می‌رود؛ زیرا «جمهوری اسلامی ایران... حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد» (اصل یک‌صد و پنجاه و چهارم قانون اساسی)؛ بنابراین، جمهوری اسلامی، از یک سو، به حکم آیه شریفه ۸ سوره ممتحنه که می‌فرماید: «خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که به شما در دین نجنگیده‌اند و از سرزمینتان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد»، در سیاست خارجی خود بر پایه قسط و عدل اسلامی عمل می‌کند (اصل سیزدهم قانون اساسی) و از سوی دیگر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر مبنای عدالت‌گستری، حق برابر کشورها و نظام عادلانه بین‌المللی تدوین و تعقیب می‌شود. در این قسمت مؤلفه عدالت‌خواهی به‌عنوان یکی از هویت‌های انقلابی جمهوری اسلامی ایران و گویه‌های آن در جدول زیر ارائه شده است و چگونگی پاسخ‌دهندگان کشورهای عضو آلبا به این مؤلفه به‌صورت نمودار ارائه شده است.

جدول شماره ۵- مؤلفه عدالت‌خواهی و گویه‌های آن

مؤلفه‌ها	گویه‌ها	موافق	کاملاً موافق	جمع	میانگین
عدالت‌خواهی	سیاست خارجی جمهوری اسلام ایران و کشورهای آلبا خواهان صلح و برابری در عرصه بین‌المللی هستند	۴۵/۳۶	۲۸/۱۷	۷۴/۲۳	۷۵/۳۶



مؤلفه‌ها	گویه‌ها	موافق	کاملاً موافق	جمع	میانگین
عدالت خواهی	روابط جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آلبا متأثر از نوع گرایش رؤسای جمهور کشورها عدالت خواهی در عرصه داخلی و بین‌المللی است.	۴۰/۶۳	۳۵/۴۲	۷۶/۵	

بر اساس جدول فوق پاسخ‌دهندگان در کشورهای عضو آلبا به مؤلفه عدالت خواهی (یکی از شاخص‌های فرضیه) به‌عنوان یکی از هویت‌های انقلابی جمهوری اسلامی ایران که گویه ۱ آن بر اساس گزینه موافق و کاملاً موافق با ۷۴/۲۳ درصد و به گویه ۲ بر اساس گزینه موافق و کاملاً موافق با ۷۶/۵ درصد است. بر این اساس مؤلفه عدالت خواهی با میانگین ۷۵/۳۶ به‌عنوان هویت مشترک میان جمهوری اسلامی ایران و افکار عمومی منطقه آمریکای لاتین و کشورهای عضو آلبا است.

۴-۳- یک‌جانبه‌گرایی کشورهای قدرتمند

رویکرد انقلابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به دو صورت تغییر و تحول در نظم و نظام بین‌الملل را پیگیری می‌کند: اول مقابله و مبارزه درون‌گرا با نظام سلطه و سلطه‌گران و در صدر آن آمریکا، از طریق اقدامات یک‌جانبه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، افزایش قدرت و توانایی‌های ملی جمهوری اسلامی در کلیه ابعاد نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی. دوم، مقابله و مبارزه با نظام سلطه و مظاهر و رفتارهای آن در قالب چندجانبه‌گرایی و موازنه‌سازی برون‌گرا. بر این اساس، رویکرد انقلابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت بعد از انقلاب به‌خصوص دولت نهم و دهم، در بستر گفتمان اصول‌گرای عدالت‌خواه در صدد ائتلاف‌سازی منطقه‌ای و جهانی برای مقابله با نظام استکباری به رهبری امریکا برآمده است.

در همین راستا، جمهوری اسلامی ایران در برنامه‌های خود، یکی از اهداف سیاست خارجی خود را «تقویت استراتژی چندجانبه‌گرایی در سطح بین‌المللی و مقابله با یک‌جانبه‌گرایی در عرصه بین‌الملل» و «گسترش همکاری با کشورهای مستقل و غیرمتعهد» اعلام می‌کند. بر همین اساس حضور جمهوری اسلامی ایران در منطقه آمریکای لاتین را در این چارچوب می‌توان تحلیل کرد.

در این قسمت مؤلفه یک‌جانبه‌گرایی به‌عنوان یکی از هویت‌های انقلابی جمهوری اسلامی ایران و گویه‌های آن در جدول زیر ارائه شده است و چگونگی پاسخ‌دهندگان کشورهای عضو آلبا به این مؤلفه به‌صورت نمودار ارائه شده است.



جدول شماره ۶- مؤلفه یک جانبه‌گرایی و گویه‌های آن

مؤلفه‌ها	گویه‌ها	موافق	کاملاً موافق	جمع	میانگین
یک‌جانبه‌گرایی کشورهای قدرتمند	یک‌جانبه‌گرایی کشورهای قدرتمند و حق وتو در شورای امنیت باعث نزدیکی کشورهای عضو آلبا و جمهوری اسلامی ایران شده است.	۵۰/۵۲	۱۲/۳۷	۶۲/۸۹	۶۹/۵۹
	رویکرد رئیس‌جمهور ایران در به چالش کشیدن نظام سلطه باعث گرایش کشورهای عضو آلبا شده است.	۴۰/۶۳	۳۵/۴۲	۷۶/۵	

بر اساس جدول فوق، پاسخ‌دهندگان در کشورهای عضو آلبا به مؤلفه یک‌جانبه‌گرایی کشورهای قدرتمند غرب (یکی از شاخص‌های فرضیه) که به‌عنوان یکی از هویت‌های انقلابی جمهوری اسلامی ایران و گویه ۱ آن بر اساس گزینه موافق و کاملاً موافق با ۶۲/۸۹ درصد پاسخ دادند و به گویه ۲ بر اساس گزینه موافق و کاملاً موافق با ۷۶/۲۹ درصد. بر این اساس مؤلفه یک‌جانبه‌گرایی کشورهای قدرتمند غرب با میانگین ۶۹/۵۹ به‌عنوان هویت مشترک میان جمهوری اسلامی ایران و افکار عمومی منطقه آمریکای لاتین و کشورهای عضو آلبا است.

۴-۴- ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل

در چارچوب گفتمان انقلابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، رویکردی تجدیدنظرطلبانه نسبت به نظم و نظام بین‌الملل وجود دارد. جمهوری اسلامی ایران، گرچه در صدد برانداختن نظام دولت-ملت و برافکندن نظم نیست، اما از طریق شالوده‌شکنی و اصلاح ساختاری، هنجاری و نهادی، در جهت استقرار نظم و نظام عادلانه بین‌المللی تلاش می‌کند؛ از این رو، راهبرد یا جهت‌گیری سیاست خارجی ایران، عدم تعهد تجدیدنظرطلب است. در قالب اصل بنیادی نه شرقی، نه غربی، این نوع عدم تعهد دارای تعهدات و رسالت انقلابی و ایدئولوژیک است. از این رو، جمهوری اسلامی علاوه بر عدم وابستگی به مراکز قدرت و قدرت‌های جهانی، در صدد تغییر و تحول نظم بین‌الملل است. این هدف نیز از طریق شالوده‌شکنی نظم و نظام بین‌الملل موجود، حاصل می‌شود. جمهوری اسلامی در دو بعد تبیینی و تخریبی، به واسطه نظام بین‌الملل موجود می‌پردازد. در بعد تبیینی، از طریق توصیف و تبیین سرشت ناعادلانه وضع موجود و نظم مستقر سعی می‌کند آن را غیرطبیعی ساخته و از آن مشروعیت‌یابی کند. در فرآیند غیرطبیعی کردن تلاش می‌شود با آشکار ساختن ماهیت حدوثی نظام بین‌الملل موجود، این مشروعیت که به‌مرور زمان به‌دست آمده است، سلب شود؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین



اهداف و برنامه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، توصیف و تبیین وضع و نظم ناعادلانه و نظام سلطه جهانی است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۵)

در این قسمت مؤلفه ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل به‌عنوان یکی از هویت‌های انقلابی جمهوری اسلامی ایران و گویه‌های آن در جدول زیر ارائه شده است و چگونگی پاسخ‌دهندگان کشورهای عضو آلبا به این مؤلفه به‌صورت نمودار ارائه شده است.

جدول شماره ۷- مؤلفه ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل و گویه‌های آن

مؤلفه‌ها	گویه‌ها	موافق	کاملاً موافق	جمع	میانگین
ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل	روابط جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اتحادیه آلبا متأثر از نوع گرایش روسای جمهور کشورهای نسبت به وضعیت سازمان ملل است	۴۵/۳۶	۲۸/۸۷	۷۴/۲۳	۶۶/۲۸
	سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اتحادیه آلبا در عرصه بین‌المللی خواهان تغییر وضع موجود	۴۳/۷۵	۱۷/۷۱	۶۱/۴۶	
	افکار و نظرات رئیس‌جمهور ایران و روسای کشورهای عضو آلبا نسبت به نظام بین‌الملل	۴۹/۴۷	۱۳/۶۸	۶۳/۵	

بر اساس جدول فوق پاسخ‌دهندگان در کشورهای عضو آلبا به مؤلفه ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل (یکی از شاخص‌های فرضیه) که به‌عنوان یکی از هویت‌های انقلابی جمهوری اسلامی ایران و گویه ۱ آن بر اساس گزینه موافق و کاملاً موافق با ۷۴/۲۳ درصد و به گویه ۲ بر اساس گزینه موافق و کاملاً موافق با ۶۱/۴۶ درصد و به گویه ۳ بر اساس گزینه موافق و کاملاً موافق با ۶۳/۵ درصد پاسخ داده‌اند، بر این اساس مؤلفه ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل با میانگین ۶۶/۲۸ به‌عنوان هویت مشترک میان جمهوری اسلامی ایران و افکار عمومی منطقه آمریکای لاتین و کشورهای عضو آلبا است.

۴-۵- ضد هژمون

یکی از رفتارهای انقلابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که از اصل استکبارستیزی و سلطه‌ستیزی نشئت می‌گیرد، مقابله نمایان و نمادین با نظام تک‌قطبی و هژمونیک است. اولین گام در راه مقابله با نظام هژمونیک نیز آشکار ساختن ماهیت ناعادلانه، غیرطبیعی و نامشروع آن است. مبارزه با نظام تک‌قطبی و هژمونی آمریکا، به دو صورت پیگیری می‌شود؛ اول، مقابله همه‌جانبه درون‌گرا از طریق اقدامات یک‌جانبه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی و افزایش قدرت و توانایی ملی جمهوری اسلامی ایران در کلیه ابعاد که در



چار چوب این راهبرد صورت می‌گیرد؛ دوم، مبارزه با هژمونی آمریکا و نظام تک‌قطبی در قالب چندجانبه‌گرایی و موازنه برون‌گرا. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران در بستر گفتمان عدالت، در صدد ائتلاف‌سازی منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی برای مقابله با هر نظام تک‌قطبی و هژمونی آمریکا برآمده است، برای نمونه، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت نهم، «تقویت استراتژی چندجانبه‌گرایی در سطح بین‌المللی و مقابله با یک‌جانبه‌گرایی در عرصه بین‌الملل» بوده است. (متکی، ۱۳۸۵، ص ۵)

در این قسمت مؤلفه ضد هژمون به عنوان یکی از هویت‌های انقلابی جمهوری اسلامی ایران و گویه‌های آن در جدول زیر ارائه شده است و چگونگی پاسخ‌دهندگان کشورهای عضو آلبا به این مؤلفه به صورت نمودار ارائه شده است.

جدول شماره ۸- مؤلفه ضد هژمون و گویه‌های آن

مؤلفه‌ها	گویه‌ها	موافق	کاملاً موافق	جمع	میانگین
ضدهژمون	افکار عمومی کشورهای اتحادیه آلبا در آمریکای لاتین ضد سیاست‌های آمریکا	۴۸/۴۵	۲۱/۶۵	۷۰/۱	۶۱/۹
	تمایلات ضد آمریکای جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو آلبا باعث توسعه روابط است	۳۸/۵۴	۱۳/۵۴	۵۲/۸	

بر اساس جدول فوق پاسخ‌دهندگان در کشورهای عضو آلبا به مؤلفه ضد هژمون (یکی از شاخص‌های فرضیه) که به عنوان یکی از هویت‌های انقلابی جمهوری اسلامی ایران است به گویه ۱ آن بر اساس گزینه موافق و کاملاً موافق با ۷۰/۱ درصد و به گویه ۲ بر اساس گزینه موافق و کاملاً موافق با ۵۲/۸ درصد پاسخ داده‌اند. بر این اساس مؤلفه ضدهژمون با میانگین ۶۱/۹ به عنوان هویت مشترک میان جمهوری اسلامی ایران و افکار عمومی منطقه آمریکای لاتین و کشورهای عضو آلبا است.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

روابط دیپلماتیک بین ایران و کشورهای منطقه آمریکای لاتین در یک‌صد سال اخیر اعم از دوران پیش از انقلاب و پس از آن در سطح بسیار محدود قرار داشت که علل آن را می‌توان به فاصله جغرافیایی بسیار زیاد، تفاوت‌های نژادی، مذهبی و زبانی، بی‌ثباتی سیاسی در آمریکای لاتین، ناهمگون بودن خط‌مشی‌های سیاسی و از همه مهم‌تر هژمونی ایالات متحده بر این منطقه، دانست.

روابط جمهوری اسلامی ایران با دولت‌های آمریکای لاتین پس از انقلاب تحت تأثیر وقوع جنگ ایران و عراق، تحمیل تحریم‌های اقتصادی از سوی ایالات متحده آمریکا در پی



گروگان‌گیری و قطع روابط دیپلماتیک و انزوای سیاسی رو به رشد در دهه ۱۹۸۰ به علت جنگ و پیامدهای منفی قرار داشت. در واقع، گسترش روابط ایران با کشورهای آمریکای لاتین در راستای مقابله با تحریم‌های اقتصادی آمریکا و جستجو برای منابع جایگزین و تأمین کالاهای ضروری بود. در نتیجه بخشی از طرح تنوع تجاری ایران با کشورهای آمریکای لاتین به منظور بهره‌برداری از منابع عمده واردات ایران از این منطقه بوده است. در واقع روابط با آمریکای لاتین بیشتر جنبه تجاری داشته تا سیاسی و از لحاظ سیاسی جزء اولویت‌های سیاست خارجی دولتی‌های کارگزاران و اصلاحات نبود. بالطبع کار پژوهشی نیز در این زمینه در مورد محدود کتب موجود انتشار یافته به یک‌الی دو دهه قبل برمی‌گردد که این کتاب‌ها عموماً در موضوعاتی همچون بررسی فراز و فرود تاریخ این کشورها و تئوری‌های توسعه که در منطقه آمریکای لاتین تجربه یا مطرح شده اختصاص دارد. این کتاب‌ها ضمن این که از غنای خوبی به لحاظ بررسی تاریخ این منطقه برخوردارند اما به موضوعات و چالش‌های دو دهه اخیر که این منطقه با آن‌ها درگیر بوده و موضوع رابطه انقلاب اسلامی ایران با این منطقه نمی‌پردازند. در خصوص منابع به زبان انگلیسی نیز در فصلنامه روابط خارجی ایرانیان^۱ مقاله خانم دکتر لطفیان با عنوان نقش جدید آمریکای لاتین در سیاست خارجی ایران^۲ به بررسی سیاست خارجی دولت نهم در آمریکای لاتین پرداخته است که در این مقاله نیز به سیاست خارجی دولت نهم در این منطقه می‌پردازد ولی به رابطه هویت‌های انقلابی ایران با این منطقه نمی‌پردازد.

ما در این تحقیق به بحث بازتاب انقلاب اسلامی ایران در منطقه آمریکای لاتین با تأکید بر کشورهای آلبا پرداختیم و با مصاحبه از طریق پرسشنامه با مقامات منطقه آمریکای لاتین هویت‌های انقلاب اسلامی را بررسی کردیم که چنین موضوع تحقیقی برای اولین بار به این روش در جمهوری اسلامی ایران انجام شده است.

بر همین اساس به مهم‌ترین شاخص‌های «هویت انقلابی - اسلامی» که مبتنی بر آموزه‌های اسلام و مکتب شیعه و دیدگاه‌های امام و رهبری در قانون اساسی شکل گرفته و به عنوان چراغ راه بر هدایت سیاست خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد در متن این پژوهش پرداختیم.

این هویت انقلابی - اسلامی دولت جمهوری اسلامی ایران علاوه بر آن که در برداشت نظام از خود بسیار مؤثر است و این کشور را دارنده مسئولیت‌ها و تکالیف فراملی مختلفی در چارچوب نقش‌های فراملی مختلفی می‌کند؛ یک نظام ارزشی، قضاوتی و یا قالب فکری را نیز برای آن پدید می‌آورد. در همین راستا ملاک‌های متفاوتی را برای «خودها» و



1. Iranian Review of Foreign Affairs
2. The New Role of Latin America in Irans Foreign Policy

«دگرها» در عرصه ملی و فراملی برای این کشور ایجاد می‌کند. بر اساس همین ملاک‌ها مرز میان دوست و دشمن ترسیم، وقایع بیرونی تعبیر و تفسیر می‌شود.

بر اساس همین مسئولیت‌ها و تکالیف فراملی که از هویت انقلابی - اسلامی نشئت می‌گیرد و همچنین ملاک‌های متفاوتی که برای «خودی‌ها» و «دگرها» در عرصه ملی و فراملی برای این کشور ایجاد می‌شود، جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه آمریکای لاتین به خصوص اعضا آلبا دارای تشابهات و اشتراکاتی هستند.

بر همین اساس اشتراکات هر یک از این عناصر هویتی انقلابی جمهوری اسلامی ایران چون، استقلال طلبی، عدالت خواهی، مقابله با یک جانبه گرایی کشورهای قدرتمند، اعتراض به ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل و ضد همزومون را به عنوان شاخص‌های فرضیه تحقیق به یک مؤلفه تبدیل و بر اساس پاسخ‌دهندگان کشورهای عضو آلبا بررسی و اولویت بندی کردیم.

همان‌طور که در بخش یافته‌های تحقیق نشان داده شده است، عناصر هویتی انقلابی جمهوری اسلامی ایران، چون استقلال طلبی با میانگین ۷۶/۶۳، عدالت خواهی ۷۵/۳۶، مقابله با یک جانبه گرایی کشورهای قدرتمند ۶۹/۵۹، اعتراض به ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل ۶۶/۲۸، ضد همزومون ۶۱/۹ در میان منطقه آمریکای لاتین به خصوص کشورهای عضو آلبا گسترده است.

منابع الف) منابع فارسی

۱. امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸). *صحیفه نور*، جلد‌های ۲، ۴، ۵، ۱۴، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
۲. احمدی لفقور کی، بهزاد. (۱۳۸۷). *نگاهی به آمریکای لاتین*، پگاه حوزه. شماره ۲۲۸.
۳. ابراهیم بای سلامی، غلام حیدر. (۱۳۸۷). *دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی آمریکای لاتین*، تهران: وزارت امور خارجه.
۴. اعلی فریمان، هادی. (۱۳۸۷). *دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی آمریکای لاتین*، تهران: وزارت امور خارجه.
۵. روح‌الله رضانی، *صدور انقلاب ایران: سیاست، اهداف و وسایل*، در *جان اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی.
۶. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۸). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات سمت.



۷. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۸۸). الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم. دانش سیاسی: ۲.
۸. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، نوری، وحید. (۱۳۹۱). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصولگرایی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۹. متکی، منوچهر. (۱۳۸۵). سخنرانی. نخستین همایش بین‌المللی آمریکای لاتین: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
۱۰. ملک محمدی، مرتضی. (۲۰۰۶). آمریکای لاتین در راه بولیواریسیم
۱۱. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۴). بازبینی نظریه انتقادی در روابط بین‌الملل. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۱۲. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۴). تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌نگاری. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۳. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۹). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات سمت.
۱۴. هوارد جی، ویاردا و هاروی اف، کلاین. آمریکای لاتین: سیاست، حکومت و توسعه، ترجمه علیرضا قربان پور (۱۳۸۷)، تهران: ابرار معاصر. ۵۸۵۷.
۱۵. هادیان، ناصر. (۱۳۸۲). سازه‌نگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی، فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم، شماره ۴.

مصاحبه‌ها:

۱۶. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، زوزاده، غلامعلی. (۱۳۹۱). با آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد: رئیس‌جمهور دولت نهم و دهم.
۱۷. زوزاده، غلامعلی. (۱۳۹۱). مصاحبه با آقای اوا مورالس: رئیس‌جمهور بولیوی.
۱۸. زوزاده، غلامعلی. (۱۳۹۱). مصاحبه با آقای سبحانی: سفیر جمهوری اسلامی ایران در ونزوئلا.
۱۹. زوزاده، غلامعلی. (۱۳۹۱). مصاحبه با آقای دکتر اسماعیلی: سفیر جمهوری اسلامی ایران در نیکاراگوئه.
۲۰. زوزاده، غلامعلی. (۱۳۹۱). مصاحبه با آقای دکتر جلالی: مدیر کل آمریکای لاتین در وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران.
۲۱. زوزاده، غلامعلی. (۱۳۹۱). مصاحبه با آقای تفرشی: مسئول خانه آمریکای در وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران.



ب) منابع لاتین

22. Grossberg, L (1996) **"Identity and Cultural Studies- Is That All There Is?"** in Stuart - Hall, Questions of Cultural Identity. London: Sage, 78-108.
23. Fearon, J and Wendth, A (2005) **"Rationalism V. Constructivism: A skeptical View"**, in Handbook of International Relations, London: Sage Publication.
24. Hopf, T. (1998 [2000]) **"The Promise of Constructivism in International Relations Theory"**. In Linklater, ed.
25. Price, R.M. and Reus-Smit, C. (1998) **Dangerous Liaisons? Critical International Theory and Constructivism**, European Journal of International Relations, 4(3):256-81
26. Pouliot, V (2007) **"Subjectivism: Toward a Constructivist Methodology"**, International Studies, Vol 57,359-384.
27. Katzenstein, P (1996) **National Security: Norms and Identity in World Politics**. New York: Columbia University Press.
28. Kratochwill, F (2006) **"History, Action and Identity Revisiting the Second Great Debate and Assessing Its Importance for Social Theory"**, European Journal of International Relation, Vol 12, No 1, 54-78.
29. Kubalkova, V (2001) **"Foreign Policy, International Politics, and Constructivism"**, in Vendulka Kubalkova, Foreign Policy in a Constructed World. Armonk, NY: M. E. Sharpe, 15-37.
30. Smith, S (2001) **"Reflectivist and Constructivist Approaches in International Theory"** in Baylis and Smith. Oxford: Oxford University Press, 224-249.
31. World Development Report 2000/2001, p.297
32. weber, C. (1990) **"International relations Theory"**. London and New York: Routledge
33. Wendt, A. (1992) **"Anarchy Is What States Make of It: The Social Construction of Power Politics"**, in Der Derian, ed, p.391-425

